

عبداللطیف عباسی گجراتی  
و  
نسخه انتقادی مثنوی معنوی  
(بخش سوم)  
(بخش دوم در صفحات ۵۱-۵۷ سال ۱۹)

۷- رقعات عبداللطیف

این رقعات که در مطالعه تاریخ سیاسی و ادبی دوره جهانگیر و شاه جهان (فقط چند سال اول) اهمیت زیاد دارد اکثراً شامل مکاتبات لشکرخان مخدوم عبداللطیف می‌باشد. عبداللطیف بجای مخدوم خود این رقه‌ها را نوشته. بعلاوه آن این مجموعه شامل رقه‌های خان خانان بنام آصف خان و مهابت خان فیروز جنگ و هاشم خان و دیگران می‌باشد. نسخه این مجموعه در کتابخانه ایشیا تک سوسائتی کلکته ذیل شماره ۳۶۴ ذخیره کرزن، فهرست ص ۱۵۹ موجود است، و نیز در کتابخانه میسور ذیل شماره ۱۴، فهرست ایورت ص ۹۰ بوده است و بنابراین همین رقعات و انشاست که محمد صالح کنبوه عبداللطیف را در شمار ۳۱ ارباب انشا متقدم تر از عبدالحمید لاهوری و محمد وارث آورده است.

۸- سیر منازل و بلاد و امصار

نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه هاردنگ در دهلی نگهداری می‌شد، اما اکنون این نسخه از بین رفته. خوش‌بختانه آقای دکتر آهوجہ یک نسخه از روی نسخه کتابخانه فوق تهیه نموده بودند و آنرا از مقابله و مقایسه مندرجات آن با کتابهای دیگر برای چاپ آماده نموده بودند، اما هنوز بجای نرسیده. خوش‌بختانه مورخان دوره حاضر از آن کتاب استفاده نموده‌اند. در میان ایشان دکتر جدوناته سرکار (تاریخ بنگال و بهار) دکتر چودھری (بنگال در دوره اکبر و جهانگیر) پروفیسور شری رام شرما (منابع تاریخ مغول هند) و تارا پور والا و مارشل قابل ذکرند. دکتر آهوجہ در مقاله خود شامل Punjab University Research Bulletin ج ۴ شماره ۱، آوریل ۱۹۷۳ از آن استفاده نموده و معرفی بسزا کرده است.

۹- تاریخ شاه جهانی

بنا بگفته صاحب عمل صالح،<sup>۳۲</sup> عبداللطیف عباسی چندی در تحریر تاریخ شاه جهانی اشتغال داشت، اما ارباب حسد نگذاشتند که او این کار بانجام برساند. محمد صالح کنبوه می‌نویسد:  
«چندی به تحریر ایام دولت ابد طراز می‌پرداخت، آخر از نکه گیری ارباب حسد از خدمت سزاکور معارف و مرفوع القلم گشت.»

چنانکه در فوق بتفصیل آمده که عبداللطیف از روی هشتاد تا صد نسخه از مثنوی معنوی یک نسخه انتقادی از مثنوی تهیه نموده، و این نسخه خیلی مقبول خاطر ارباب نظر گردیده، چنانچه نسخه‌های آن در کتابخانه‌های هند و بیرون هند فراوان وجود می‌دارد، ما دو نسخه آن مثنوی را که در علیگر موجود است معرفی می‌نماییم.

- ۱- متن این نسخه از مقابله هشتاد تا صد نسخه تهیه شده و تاکنون زحمتی که درین کار کشیده شد، نسبت به هیچ یک از کتب فارسی و شاید کتب دیگر زبانها کشیده نشده باشد. از این متن نظر محققان جدید که این گونه تحقیقات را بشرق شناسان نسبت دهند باطل می‌شود.
  - ۲- این نسخه شامل فهرست هر شش دفتر مثنوی می‌باشد.
  - ۳- دیباچه سه دفتر عبری بود، عبداللطیف آن سه دیباچه را بفارسی در آورده.
  - ۴- یک دیباچه مفصل و بزرگ بنام مرآة الحقایق بقلم عبداللطیف شامل است که دارای تفصیلات تنظیم و ترتیب نسخه ناسخه است.
  - ۵- شامل یک دیباچه بسیار نادر که فقط در یک نسخه معتبر موجود بود.
  - ۶- شامل یک مقدمه کوتاه بقلم عبداللطیف.
- اما عبداللطیف از دو چیز مهم صرف نظر نموده، یکی معرفی نسخه‌ها که از آنها استفاده شده، چون تعداد آنها تا صد می‌رسید بهمین علت باشد که عبداللطیف از معرفی آنها صرف نظر کرده. دیگری اندراج نسخه‌های بدل.

### نسخه‌های خطی این نسخه انتقادی

نسخه‌های خطی نسخه ناسخه مرتبه عبداللطیف در کتابخانه‌های هند و بیرون هند وجود دارد. یک نسخه از این در موزه سالار جنگ (رک، فهرست ج ۴ ص ۱۱۰ زیر شماره ۱۲۷۷) موجود است. دو نسخه ازین کتاب در علیگر است. یکی در کتابخانه مولانا آزاد ذخیره سبحان‌الله و دیگری در کتابخانه شخصی آقای کبیر احمد جاشی، یکی از نگارنده این مقاله.

نسخه اول، کتابخانه مولانا آزاد، دانشگاه اسلامی، علیگر، ذخیره سبحان‌الله زیر شماره ۵۵۱۴-۵۴/۸۹۱.

در آخر نسخه در متن این عبارت دیده می‌شود:

«سیوم ربیع الاول سنه ۱۰۶۸ در شهر معظم احمدآباد لازال مصونه عن الفساد بقلم استعجال رقم تحریر نموده شد» (بدون نام کاتب)

در همان صفحه در حاشیه در جوهر سرخ تاریخ سنه ۱۰۶۹ هـ. در بیان کتاب چندین بار تاریخ کتابت بدون نام کاتب درج شده:

در آخر دیباچه دوم تاریخ ۱۰۷۰ در هند سنه درج است.

در آخر فهرست دفتر اول: تمت الفهرست الاول من المثنوی المعنوی سنه ۱۰۷۰.

در آخر دفتر اول: تمام شد جلد اول مثنوی معنوی بیستم شعبان ۱۰۶۷.

در خاتمه دفتر سوم: سیوم ذی الحجه ۱۰۶۸ در بلدة احمدآباد مرقوم شد.

در خاتمه دفتر چهارم: نوزدهم ذی الحجه سنه الیه باختم رسیده.

در آخر پنجم: بتاریخ نهم صفر ختم الله بالخیر و الظفر ۱۰۶۸ مرقوم شد.

در حاشیه همان صفحه: تمت الحاشیه المیمونه المبارکه فی غرة شهر محرم الحرام ۱۰۷۰.

مندرجات نسخه بقرار زیر است:

۱- دیباچه نسخه ناسخه بقلم عبداللطیف عاسی (مرآة المثوی).

۲- دیباچه مختصر بقلم عبداللطیف: ابتدا در باب ابن عطیة کبری و موهبت عظمی، خاتمه: اندرین وادی قدم زد و یادین بادیه دم برآورد. والله الموفق (۱۰۷۰ هـ).

۳- دیباچه مختصر بقلم عبداللطیف: بسم الله الرحمن الرحیم. ابتدا: شش دفتر این کتاب را علیحدہ و جدا باین جهت کرده شد.

خاتمه: هر دفتر این کتاب را علیحدہ علیحدہ کرده، مسمی به مثوی مسدس گردانیده شد. الخ.

۴- آغاز دفتر اول - الفهرست الاول - دیباچه نادر - ترجمه دیباچه عربی - دیباچه عربی مع متن اشعار

دفتر اول (بیستم شعبان ۱۰۶۷).

۵- دفتر دوم - فهرست دفتر دوم - دیباچه دفتر دوم مع متن.

۶- دفتر سوم - فهرست دفتر سوم - دیباچه عربی مع متن اشعار دفتر سوم (سیوم ذی الحجۃ ۱۰۶۸

در بلدہ احمد آباد مرقوم شد).

۷- دفتر چهارم - فهرست دفتر چهارم - دیباچه عربی مع متن اشعار دفتر چهارم (نوزدهم ذی الحجۃ

سنه الیه باختتام رسیده).

۸- دفتر پنجم - فهرست دفتر پنجم - دیباچه مع متن اشعار دفتر پنجم. بتاریخ نهم شهر صفر ۱۰۶۸

مرقوم شد.

۹- دفتر ششم - دیباچه مع متن اشعار دفتر ششم - سیوم ربیع الاول ۱۰۶۸ - حاشیه محرم ۱۰۷۰.

نسخه بسیار قدیم است که بعد از سی و شش سال ترتیب نسخه اصل رونویس شده در احمد آباد که وطن مآلوف عبداللطیف بوده تحریر یافته، بسیار خوش خط و مطلا و مذهب.

نسخه دوم در کتابخانه شخصی دکتر کبیر احمد جانسی

این نسخه شاید از همه نسخه‌های این کتاب مهم تر باشد، زیرا که کاتب این نسخه یکی از دانشمندان بزرگ احمد آباد است و این نسخه در خانواده همان دانشمند و یک شخصیت بزرگ دیگر بوده است.

این نسخه بسیار مهم است زیرا که کاتب نسخه یکی از دانشمندان احمد آباد بنام محمد سلیمان کرد

بود. در آخر نسخه این عبارت دیده می شود:

«قدم الكتاب بعون الملك الوهاب على يد العبد الضعيف النحيف الراجي الى رحمة الله المنان افقر الفقرا سليمان غفرله و لوالديه عشى الجمعة عاشر صفر سنة الف ٣٣ ثمانية عشر يا لبلدة الفاخرة المسماة باحمدآباد عمرها الله تعالى الى يوم الميعاد بالنبي و آله الامجاد.

ذیل این یادداشت، عبارت ذیل بخط درشت درج است:

مالکه بالشراء حیدر بن عبدالله و بن وجیه الدین نصرالله علوی قدس سره.

و ذیل این بخط خفی آمده:

ثم سعد بملکه احقر الخلیفة احمد بن سلیمان کان الله لهما فی کل حین و مکان غرة شهر رمضان ۱۰۸۵ هـ تملکه الاخرة محمد بن...

در صفحه اول یادداشتهای ذیل یافته می شود:

۱- مالکه تراب اقدام ساقی کوثر ابن عبدالله حیدر.

۲- ثم انتقل الى مملوک اهل بیت النبوی احقر الخلیفة احمد بن سلیمان کان الله لهما فی کل

حین و مکان.

۳- ثم انتقل الى كليب العتبة النبوية احقر عبدالله المنان محمدرضا بن غلام محمد بن احمد بن سليمان كان الله تعالى لهم و لاسلافهم مع اخلافهم في كل زمان و مكان.

۴- ثم انتقل الى ملك الاخ الامجد في الله الاحد الصمد الشيخ عمادالدين بن الشيخ ولي الله بن شيخ محمد عفي عنه.

اطلاع زير که بقلم محمدرضا درج است خيلي مهم بنظر مي آيد:

اين كتاب مشوي معنوي تمام من اوله الى آخره بخط شريف فاضل كامل عالم عامل زين عرفا سوه صلحا شمع انجمن اهل فن سليمان ملك سخن قدوه اهل حديث و قرآن حضرت جدی مولوی شيخ سليمان قدس سره است که دانای علوم نشأتین و آگاهی حقایق کونین و صفای طبع موزون چنانچه از تصنیفاتش مبین حالات و کرامات و کلمات اوست و برهان قوی بر علو فطرت و استعداد او و مقدار ایاتش قریب بچهار صد هزار می رسد ظاهر و باهر است و تلمیذ و خلیفه راستین فخر محدثین حضرت مولانا شیخ عبدالحق محدث دهلوی قدس سره بوده و کان عديم النظير في زمانه نظماً و نثراً بالفارسی و العربي و له شعر كثير على مذاق الصوفية العلية و من انفاسه الشريفة.

زاهدا بگذر از سرمن مست	به می جانفرا گداز مرا
مگشای لب دگر بسرزنشم	بهمین بیخودی سپار مرا
من سلیمان ملک بیخودیم	با صف دیو و دد چه کار مرا

حرره الفقير محمدرضا بن غلام محمد

سليمان کرد که کاتب نسخه ذاتی دکتر جایی است یکی از نویسندگان و دانشمندان احمدآباد گجرات در قرن یازدهم هجری بوده. او در هر دو زبان عربی و فارسی قدرت تمام داشت و درین هر دو زبان شعر می گفت. بگفته پسر نوه او بنام محمدرضا بن غلام محمد، سليمان کرد چهارصد هزار بیت بطور یادگار گذاشته.

دربارۀ زندگانی سليمان اطلاعات کافی در دست نیست، اما محمدرضا پسر نوه اش، سليمان یکی از شاگردان عبدالحق محدث دهلوی بوده. دکتر دیسائی که دربارۀ او مقاله محققانه دارد نوشته که نیاکانش اگرچه کرد بودند، ولی ایشان به خراسان هجرت نموده و ساکن شده. بهمین علت است که او را خراسانی قرار می دهند. سليمان در لاهور چشم بجهان گشود. بعدی با احمدآباد اقامت اختیار نمود. با تصوف و عرفان علاقه خصوصی داشت و از سلسله قادریه منسلک بود. بنابراین نسبت قادری هم دارد. دکتر دیسائی از بیت زیر نتیجه گرفته که سليمان به قبیله لر نیز نسبت داشته:

کمال حال سليمان بود خدا ترسی از آن چه باک که در اصل کرد لر باشد

اما تاریخ وفات او درست معلوم نیست. دکتر دیسائی تاریخ وفاتش بین سنوات ۱۰۵۱-۱۰۵۹ هـ قرار می دهند. اما این درست نیست زیرا که نسخه ناسخه مثنویات سقیمه که بقلم او بازمانده است در ۱۰۷۱ هـ بانجام پذیرفته. پس وفات او پس ازین تاریخ واقع شده باشد.

آقای دکتر دیسائی نام بیست اثر عربی و فارسی نوشته و از آنجمله است:

- ۱- مفتاح الاصول و مصباح الوصول دربارۀ علم حدیث.
- ۲- منابع الخیرات، مثنوی در مدح حضرت عبدالقادر جیلانی.
- ۳- مفتاح الهدی و مصباح البقاء، مجموعه انتخاب شعرای فارسی.
- ۴- روایح الاصول دربارۀ سلوک و عرفان.
- ۵- شرح هدایه (در فقه).
- ۶- اسماء الرجال (علم حدیث).
- ۷- مرآة القلوب، انتخاب دیوان حافظ شیرازی.

خلاصه این که نسخه متذکره الصدر از لحاظ کاتب و کتابت آن بسیار مهم است. شاید در میان کاتبان نسخه‌های مثنوی هیچ کاتب از حیث علم و فضل به پایه سلیمان نمی‌رسد. بهمین علت می‌توان گفت که این نسخه مثنوی بی‌مانند است ازین نیز می‌توان قیاس نمود که نسخه مثنوی که عبداللطیف تهیه نموده باشد دارای اهمیت و امتیاز بسیار می‌باشد که دانشمندی مانند سلیمان کرد که خود شاعر قادر و توانا و نویسنده بزرگ بوده تصمیم گیرد که نسخه مثنوی مرتبه عبداللطیف را نقل نماید. نسخه مزبور ازین حیث نیز دارای اهمیت زیاد است که در خانواده سلیمان کرد بوده و پسر او خلیفه احمد بن سلیمان دوبار گواهی داده که این نسخه، نسخه ذاتی او باشد. این خلیفه احمد بن سلیمان یکی از دانشمندان و عارفان بزرگ احمد آباد بود و نویسنده آثار می‌باشد. یکی از دو یادداشت خلیفه احمد بر این نسخه ظاهر می‌کند که در ۱۰۸۵ هـ او بقید حیات بوده. پس از آن این نسخه در ملک نوه خلیفه احمد در آمده. این شخص که نامش محمدرضا بن غلام محمد بن احمد بن سلیمان بود گواهی داده که کاتب این نسخه همان سلیمان است که جد پدری اش بوده و نیز این که سلیمان نویسنده و شاعر توانا بوده است و چهارصد شعر از او یادگار مانده، در آخر سه بیت فارسی نقل نموده. بگفته محمدرضا، سلیمان بتصوف و عرفان مایل بود و در اشعارش این جنبه غالب بوده.

اینست داستان افراد خانواده سلیمان کرد که وسیله این نسخه بدست آمده. بعلاوه این یادداشتها یک یادداشت که شاید از همه این تحریرات مهم تر باشد اینست که نسخه هذا نسخه شخصی حیدر بن عبدالله بوده و او این نسخه را خریده بود. حیدر بن عبدالله سه بار اسم خود در این نسخه یادگار گذاشته. دفعه اول در ورق ۱۳۸ الف در خاتمه دفتر سوم مثنوی معنوی: بنده حیدر غلام خاص علی.

دفعه دوم در ورق اول که دفتر اول مثنوی شروع می‌شود:

مالکه تراب اقدام ساقی کوثر ابن عبدالله حیدر.

دفعه سوم در آخر نسخه بدین طور:

مالکه بالشراف حیدر بن عبدالله بن وجیه‌الدین نصرالله العلوی قدس سره.

یادداشت سیومین هویت شیخ حیدر را واضح می‌کند. اول این معلوم می‌شود که او این نسخه را خریده بود. دوم اینکه او پسر عبدالله بن شیخ وجیه‌الدین علوی بوده است.

شیخ وجیه‌الدین علوی (متوفی ۹۹۸ هـ) از عارفان قرن دهم احمد آباد گجرات بود. او با سلسله شطاریه انتساب داشت و یکی از اجل خلفاء شیخ محمد غوث گویاری<sup>۳۴</sup> (متوفی ۹۷۰ هـ) بود. درباره شیخ وجیه‌الدین، جهانگیر در توزک اطلاعات وافر بهم رسانیده. در ذیل جلوس دوازدهم می‌نویسد (۲۷ ماه دی ۱۰۲۶ هـ):

«روز یکشنبه بیست و هفتم (ماه دی) بخانقاه شیخ وجیه‌الدین که نزدیک بدولت خانه بود رفته بر سر مزار ایشان که در صحن خانقاه واقع است فاتحه خوانده شد. این خانقاه را صادق خان که از امرای عمده پدرم بود ساخته است. شیخ از خلفای شیخ محمد غوث است، اما خلیفه‌ای که مرشد بخلافت او مباحث کند و ارادت ایشان برهانی است روشن بر بزرگی شیخ محمد غوث و شیخ وجیه‌الدین بفضائل صوری و معنوی آراستگی داشت. پیش ازین به سی سال درین شهر ودیعت حیات سپرده. بعد از آن شیخ عبدالله بوصیت پدر بر مسند ارشاد نشسته بغایت درویش مرتاض بود. چون مشارالیه بجوار رحمت ایزدی پیوست فرزندش شیخ اسدالله جانشین گشت و همدران زودی بعالم بقا شتافت و بعد از او برادرش شیخ حیدر صاحب سجاده شد و الحال در قید حیات است. بر سر مزار جد و آبای خود بخدمت درویشان و تیمار حال ایشان مشغول و اثر صلاح از ناصیه روزگارش ظاهر. چون عرس شیخ وجیه‌الدین در میان بود یکهزار و پانصد رویه بجهت خرج عرس به شیخ حیدر عنایت شد و یکهزار پانصد رویه دیگر بجمعی

آز فراقه در خانقاه ایشان حاضر بودند بدست خود خیر کردم و بانصد رویه به برادر شیخ وجیه‌الدین لطف نمودم. همچنین بهر کدام از خویشان و منسوبان ایشان درخور استحقاق خرجی و زمینی مرحمت شد. به شیخ حیدر فرمودم که جمعی از درویشان و مستحقان را که معرفتی بحال آنها داشته باشند بحضور آورده خرجی و زمینی التماس نمایند. ۳۵»

در جلوس دوازدهم وقتی که جهانگیر به اراده سیر استان گجرات به بندر کهمبایت رسید برخی از مشایخ منجمله آن شیخ حیدر بود به آنجا رسیده استقبال نمودند. در توزک آمده است:

«و هم درین تاریخ (شانزدهم ماه ۱۰۲۶ هـ) سید محمد صاحب سجاده شاه عالم و فرزند آن شیخ محمد غوث و شیخ حیدر نبیره میان وجیه‌الدین و دیگر مشایخ که در احمدآباد توطن دارند باستقبال آمده ملازمت نمودند. ۳۶»

جهانگیر به خانواده شیخ وجیه‌الدین عقیدت تمام داشته چنانچه در جلوس سال دوم می‌نویسد:  
«(رجب ۱۰۱۶ هـ) فرمانی به مرتضی خان حاکم گجرات در قلم آمد که چون از صلاح و فضیلت و پرهیزگاری پسر میان وجیه‌الدین بمن رسیده است مبلغی از جانب ما باو گذرانیده از اسماء الهی اسمی چند که مجرب بوده باشد نویسانیده بفرستید. اگر توفیق ایزدی رفیق شود بدان مداومت نمایم. ۳۷»

شیخ حیدر که او نسخه متذکره الصدر را خریده بود و پیش از همه این نسخه در ملک او بوده، نوه شیخ وجیه‌الدین بوده. این نسخه دارای سه یادداشت از همان شیخ است که جهانگیر بخدمتش در سال ۱۰۲۶ رسیده بود. شیخ مذکور صاحب سجاده بود و «آثار صلاح از ناحیه‌اش هویدا بوده. خلاصه اینکه نسخه‌ای که در کتابخانه شخصی چنان عارف بوده باشد دارای اهمیت فوق‌العاده باشد براین. داستان یک نسخه تاریخی از مثنوی معنوی به پایان می‌رسد. ما عقیده داریم که در میان نسخه‌های مثنوی معنوی نسخه‌ای باین پایه کمتر وجود داشته باشد.

### استدراکات و اضافات

۱) عبداللطیف عباسی در سنوات ۱۰۳۹ در پشاور اقامت داشته و درین سال او پلی ساخته، و آن پل هنوز در آنجا باقی مانده است. پل مذکور دارای کتیبه‌ای است ساخته مهندس که شاید لطف‌الله مهندس پدر استاد احمد معمار تاج محل باشد. اشعار کتیبه ذیلاً درج می‌شود:

بحمدالله که از فیض الهی	بقاع خیر عالی کرد بنیاد
محب اهل دل عبداللطیف آنک	که مثلش مادر ایام کنم زاد
پلی تعمیر کرد اندر پشاور	الهی تا جهان باشد بماناد
پسی تاریخ اتمامش مهندس	بگفتا خیر جاری باد آباد

(۱۰۳۹ هـ)

این کتیبه دو سه بار چاپ شده. بنده از مقاله دکتر عبدالله چغتائی بعنوان Bara Bnidge Inscription of Shahjahan شامل مجله 2, Ancient Pakistan, 13-16 (1965-1966) استفاده نمودم. نیز رک: Peshawar- Past and Present از سید محمد جعفر پشاور ۱۹۴۵.

۲) عبداللطیف عباسی کاتب خوبی بوده و چند نسخه‌ها که او کتابت نموده بود در بعضی کتابخانه‌ها موجود است. تفصیلات آنها بقرار زیر است:

الف - دیوان قاسم انور متوفی ۸۳۷ مکتوبه عبداللطیف عباسی برای میرزا محمد اشرف در سال ۱۲۰۸، اوراق ۲۲۷، در دو ستون، هر ستون ۱۱ سطری، خط نستعلیق، دارای دو تصویر مقابل ورق

۱۸-۱۹. از گزارش فهرست نگار واضح است که کاتب همان عبداللطیف عباسی گجراتی است که مشدی مولانای روم و حدیقه الحقیقه را تصحیح نموده و شرح کرده است. رک: فهرست کتب خطی کتابخانه دیوان هند، ص ۷۸۶، مخطوطه ۱۲۸۵.

ب - رباعیات عمر خیام مکتوبه عبداللطیف عباسی ۱۰۳۰ هـ گزارش نسخه و عکس آن در رساله دکتر عبدالله چغتائی بنام «سرگذشت خط نستعلیق» شامل است.

ج - نسخه حدیقه الحقیقه سنائی مکتوبه ۶۱۷ هـ در ملک خان اعظم میرزا عزیز کوکه بود. در ۱۰۳۵ عبداللطیف آن نسخه را از میرزای مزبور ولو گرفته و از آن نقلی تهیه نموده و نسخه خود از این متن در ملک سپهر نگار بوده.

د - در کتابخانه دانش گاه پنجاب نسخه‌ای از لطایف الحقایق در (شرح حدیقه) زیر شماره ۲۰۴ مضبوط است که بخط خود شارح یعنی عبداللطیف عباسی می‌باشد. این نسخه برین عبارت تمام می‌شود: حرره عبداللطیف... شارح... اوراق ۴۵۴، ۱۹ سطری، خط نستعلیق (فهرست ج ۱ جز ۲ ص ۱۳۹). در کتابخانه مدراس (گورنمنت اورینتال لائبریری) نسخه‌ای از لطایف اللغات عبداللطیف عباسی که در سال ۱۰۹۸ هـ از نسخه خود عبداللطیف استنساخ شده بود مضبوط است - رک: فهرست ج ۱، شماره ۴۱۵.

\*

در کتابخانه دانش گاه پنجاب لاهور نسخه‌ای از نسخه ناسخه مشنویات سقیمه مکتوبه ۶ ربیع الثانی ۱۰۴۳ هـ بخط محمدعلی موجود است که با مهر و یادداشت‌ها از ظفرخان شاهجهانی و دیگران مزین است. یک یادداشت مهم بقرار زیر است:  
«بتاریخ چهاردهم شهر رمضان سنه ۱۰۵۳ از بابت پیش کش شیخ عالم که از دهلی از سال داشته بود، داخل کتابخانه شود».

اگرچه معلوم نیست که مالک کتابخانه که بود، اما معلوم است که این کتابخانه در لاهور بود و این نسخه از دهلی بلاهور فرستاده شده بود (رک: فهرست ج ۱، جز ۲، ص ۱۹۲، مخطوطه ۲۸۸).

\*

نسخه منتخب التواریخ تألیف حسن خاکی شیرازی که در کتابخانه دیوان هند (زیر شماره ۳۷۳۴) موجود است. مزین به یادداشتهای عبداللطیف عباسی. حسن خاکی دوست عبداللطیف عباسی بود. (رک: ستوری، پرشین لتریچر، ص ۲۲۳).

\*

عقاید نسفی کتابی است معروف در عربی از ابو حفص عمر بن محمد نسفی (م: ۵۳۷). این کتاب را بعضی از دانشمندان بفارسی<sup>۳</sup> ترجمه و شرح نموده‌اند از آنجمله برهان مسکین هروی هم هست و او در سال ۹۱۴ هـ این کتاب را در هرات بفارسی شرح کرده و نام کتاب خود ارشاد السالکین<sup>۴</sup> گذارده. این شرح در جای خود معروف است و نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌ها دیده می‌شود.  
از دیباچه ارشاد السالکین معلوم می‌شود که برهان مسکین<sup>۵</sup> پیش از تألیف این کتاب دارای آثار زیر می‌بوده:

انیس الواعظین، روضة الانقیاء فی ذکر الاولیا، انیس العابدین، سراج المستعلمین، اوراد الاوقات، کنوز الاعمال، خلاصة الاوراد که نام‌های این آثار در مقدمه ارشاد السالکین درج است.  
نسخه ارشاد السالکین که در کتابخانه دیوان هند زیر شماره ۲۵۶۸ موجود است بخط محمد شیخ

عبداللطیف<sup>۱</sup> عباسی است که برای سیدشاه محمد سیف‌الله قادری در ماه ربیع‌الاول سال ۱۰۸۳ هـ رونویس شده. بنظرم فقره<sup>۲</sup> شیخ محمد عبدالله عباسی اضافت ابنی است، محمد بن شیخ عبداللطیف عباسی. بنابراین می‌توان قیاس نمود که نسخه<sup>۳</sup> هذا بدست محمد پسر استساخ شده. گویا مانند پدر این پسر هم از کتابت دلیستگی داشته. نسخه<sup>۴</sup> دیگر ارشادالسالکین است که شامل صفحه<sup>۵</sup> ۱۴۲-۱۷۱ نیز به خط همان محمد است و به نام سیف‌الله است که هم ارشادالسالکین بنام او بوده است.

در ترتیب این مقاله از افادات دانشمند گرامی و دوست صمیمی آقای دکتر ضیاءالدین دیسائی استفاده نمودیم و می‌خواهیم از ایشان سپاسگزاری نمائیم.

## یادداشتها

۳۱- عمل صالح، ج ۳ ص ۳۳۹

۳۲- ایضا

۳۳- این غلط است زیرا که دیباچه<sup>۶</sup> مختصر در ۱۰۷۱ هـ نوشته شد، و خود کتاب در ۱۰۳۲ تهبه شده و پس تاریخ اتمام استساخ ۱۰۱۸ حتماً از صحت دور است.

۳۴- شیخ محمد غوث از نسل شیخ فریدالدین عطار (م ۶۲۷ هـ) می‌باشد. حاجی حمید گویاری او را و برادرش شیخ بهلول را در فرزندی خود گرفته و هر دو را درس سلوک و معرفت داده و ایشان درین علم دستگاه کامل بهم رسانیده، چنانکه همایون پادشاه بایشان عقیدت کامل داشته اما وقتی که شیرشاه بر هندوستان غلبه نمود او در پی آزار شیخ محمد غوث شد، بنابراین شیخ ترک سکونت نموده بگجرات هجرت کرد و در حدود هیژده سال در آن خطه در میان مردمان علم و عرفان ترویج کرد. شیخ علی متقی که عالم بلند پایه بود بنابر بعضی آثار شیخ فنوی کفر درباره<sup>۷</sup> او صادر کرد، سلطان محمود گجراتی که فرمانروای وقت بود از شیخ وجه‌الدین درین مورد استصواب رای کرد، شیخ از علم و عرفان شیخ محمد غوث چنان در تحت تاثیر افتاد که بر دست مؤخرالذکر بیعت کرد. در دوره<sup>۸</sup> اکبر شیخ به شمال آمده اما شیخ گدائی پسر شیخ جمالی بیرم خان را خلافت شیخ محمد غوث ورغلانید، در اثر آن شیخ به گویالیر رفت و همان جا در ۹۷۰ هـ رحلت نمود، و در همان جا دفن شد. مزار او الی الان مرجع خلائق واقع شده، از آثارش رساله<sup>۹</sup> معراجیه، جواهر خمسه، کلید مخازن کنزالوحدت، ضمانت و بصائر شهرت دارند (تلیقات نوزک جهانگیری ج ۲ ص ۹۲ بحواله رود کوثر ص ۳۶-۴۰).

۳۵- چاپ نولکشور ص ۲۱۳.

۳۶- ص ۲۰۹

۳۷- ص ۶۲.

## یادداشتهای استدراکات

۱- برای احوالش رک: آئین اکبری ترجمه بلوچین، ج ۱ شماره ۲۱، ص ۳۲۳-۳۴۷.

۲- میرزا عزیز کوکه در ۱۰۳۳ وفات یافته، پس عبداللطیف عباسی از عزیز کوکه نمی‌توان گرفت، شاید از یکی از وارثان او گرفته باشد.

۳- رک: عارف نوشاهی فهرست موزه ملی پاکستان ص ۱۸۲، احمد منزوی، گنج بخش، ج ۲، ص ۵۲۲.

۴- برای نسخه<sup>۱۰</sup> این کتاب رک: فهرست موزه ص ۱۸۲ و فهرست گنج بخش ج ۲ ص ۴۸۰ مخطوطه ۵۶۹. کتابهای دیگر به همین نام یافته می‌شود، فهرست مشترک ج ۴ ص ۲۵۴۰.

۵- چنان بنظرم می‌رسد که برهان مسکین پسر معین مسکین هروی بوده است و چنانکه معلوم است که مؤخرالذکر دارای آثار زیاد می‌باشد از آنجمله است معارج النبوة، در سیرت رسول که بسیار شهرت دارد، تفسیر سوره یوسف بعنوان تفسیر حدایق الحقایق که آخرها به گوشش سید جعفر سجادی در ۱۳۶۴ از چاپ درآمده نیز شهرت وافر داشته است. معین دیوان شعر فارسی دارد که اشتباهات نام شیخ معین‌الدین اجمیری چاپ شده، معین در ۹۰۸ هـ درگذشت و در مقبره<sup>۱۱</sup> خواجه عبدالله انصاری مدفون گردید. معین و پدرش هر دو مسکین تخلص داشته، بنابراین اگر پسرش برهان مسکین تخلص داشته عجیب نباشد.

۶- در خط انگلیسی Muhammad Shaikh Abdu Latif Abbasi است. درباره<sup>۱۲</sup> محمد می‌توان افزود که شخصی که نامش یاد ندارم بمن گفت که قبر محمد در دهلی است.